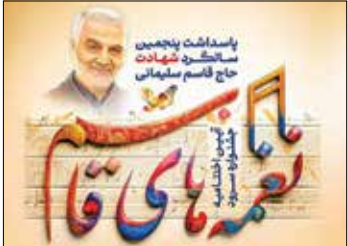


اختتامیه جشنواره تولید سرود نغمه‌های قاسم، همزمان با پنجمین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در شیراز برگزار می‌شود و ۲۰ گروه شرکت‌کننده به اجرای برنامه می‌پردازند. به گزارش ایرنا، حمیدرضا قانعی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس گفت: این جشنواره که ویژه گروه‌های سرود مردمی محلات شیراز است، ۱۳ و ۱۴ دی‌ماه به‌میزبانی تالار حافظ

برگزار می‌شود و هر شب ۱۰ گروه سرود به اجرای برنامه می‌پردازند. اکبر بانشی، دبیر برگزاری جشنواره نغمه‌های حاج قاسم نیز گفت: فراخوان تولید آثار برای این جشنواره، شهریورماه اعلام شد و محلات شیراز تا پایان آذرماه آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال کردند. وی افزود، روزهای نخست دی‌ماه، آثار داوری شد و آیین اختتامیه ۱۳ و ۱۴ دی‌ماه در تالار حافظ

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس با حضور و اجرای گروه‌های منتخب برگزار می‌شود. برگزاری اردوی گروه‌های سرود برگزیده به مقصد کرمان و زیارت قبر مطهر حاج قاسم نیز اول تا سوم اسفندماه برنامه‌ریزی شده‌است. دبیر جشنواره نغمه‌های حاج قاسم اضافه کرد: آیین اختتامیه این جشنواره همراه با خوانندگی سینا سامانی و دیگر برنامه‌های هنری است.



# همذات‌پنداری جوانان با قهرمان ملی

امیرعسگری، کارگردان مستند «تو به کوچ عادت داشتی» اعتقاد دارد باید آثار متعددی درباره حاج قاسم تولید و او را به‌عنوان الگو به نسل جوان معرفی کنیم



امیرحسین حدیری گروه فرهنگ و هنر

**شهید سردار قاسم سلیمانی** از شخصیت‌های برجسته‌ای است که با وجود عمر نسبتاً کوتاه‌اش، تأثیر بزرگ و باکیفیتی در تاریخ معاصر ایران دارد. زندگی این قهرمان ملی آن‌چنان پرفرازو فرود است که هر بخش از آن قابلیت تبدیل‌شدن به سوره‌ای برای آثار نمایشی را دارد. شاید به همین‌دلیل، در آستانه ششمین‌سالگرد شهادتش، نخستین مستند پرتره وی، به کارگردانی امیر عسگری تولید شده است. امیر عسگری، کارگردان جوان کرمانی که

**[۱] دلیل انتخاب مجدد سوره شهید سلیمانی برای تولید مستند چیست و به عنوان**

**سازنده، چه تفاوتی در کار خود با دیگر مستندها می‌بینید؟**

مستند «تو به کوچ عادت داشتی» اولین پرتره زندگی شهید سلیمانی است که تاکنون ساخته شده است. اخیراً کتابی نیز درباره زندگی این شخصیت نوشته شده با عنوان «باران گرفته است» که نویسنده آن آقای احمد یوسف‌زاده، نویسنده معروف کتاب «۲۳ نفر» است. «تو به کوچ عادت داشتی» مستندی هشتاد دقیقه‌ای است که روایت

زندگی شهید حاج قاسم سلیمانی از کودکی تا پایان سال ۶۷ است.

**[۲] چگونه زیست شخصی و همشهری بودن شما با حاج قاسم**

**در تولید مستند تأثیرگذار بوده و نقش فرهنگی این جغرافیا**

**در درک بهتر موضوع چه بوده است؟**

بله، در استان کرمان عشایر در چند بخش مختلف

زندگی می‌کنند، به‌ویژه در زادگاه شهید

سلیمانی، من جمله مناطق بافت و رابر،

همچنین روستاها و شهرهای اطراف تا

بردسیر. از سمت بردسیر به سیرجان

و سپس نزدیک حسین‌آباد شیراز،

عشایر بیلاق و قشلاق می‌کنند.

برای مثال، خانواده شهید

سلیمانی در فصل‌های گرم

به سمت رابر و قنات‌ملک

می‌رفت و در فصل‌های سرد

به جیرفت و کهنوج، جایی که

گرمایش مشابه خوزستان و

بوشهر است. چون این منطقه

در زمستان هاسرمای شدیدی

دارد.

مسأله دیگری که وجود دارد،

گویش کرمانی است. ما زبان

خاصی مانند دیگر نواحی ایران

نداریم اما یک گویش خاص داریم.

این موضوع برای من دغدغه نبوده اما

برای مستند می‌تواند موضوع خطرناکی

باشد، زیرا ممکن است فکر کنیم همه افراد

این گویش را می‌فهمند. به‌عنوان مثال، در

مستند «عیدوک» که سال گذشته ساخته شد، ما

به‌عنوان یک کرمانی و سازنده اثر متوجه صحبت‌های

افراد می‌شدیم اما مخاطبان در تهران یا سایر شهرها، گاه قادر

به درک صحبت‌های آنها نبودند.

**[۳] یکی از انتخاب‌های خاص شما در این مستند استفاده از دختر شهید**

**سلیمانی به‌عنوان راوی است؛ چگونه با وجود این‌که افراد مختلفی مانند همسر**

**ایشان وجود داشتند، به چنین انتخابی رسیدید؟**

من قصد داشتم نریشن مستند را از زبان سوم شخص یا دانای کل بنویسم اما نویسنده من را ترغیب کرد که نریشن را از زبان دختر شهید بنویسم. این تصمیم به‌لحاظ کارگردانی و ناگهانی بودن آن، ترسناک بود. با این حال، این پیشنهاد را پذیرفتم و احساس کردم که این روایان تنها دختران شهید نیستند، بلکه صدای یک دختر ایرانی را به تصویر می‌کشند.

حاج قاسم در سخنرانی‌های خود نیز اشاره کرده‌اند که دختران، چه بی‌حجاب، بدحجاب یا به اصطلاح شل حجاب، همه دختران او هستند. بنابراین، روایت را از زبان دختر شهید نوشتیم اما در مستند اشاره نکردیم که این دختر زینب، فاطمه یا نرجس



**در این مستند اشاره نکردیم که راوی این اثر دختر شهید سلیمانی است. آنها نه به‌عنوان یک دختر کرمانی و تهرانی، بلکه در قامت یک دختر ایرانی، مستند را روایت می‌کردند. به همین دلیل از گویش کرمانی استفاده نکردیم و فقط در یکی دو جا از اصطلاحاتی مانند «بی‌بی» بهره بردیم**

هستند؛ آنها نه به‌عنوان یک دختر کرمانی و تهرانی، بلکه در قامت یک دختر ایرانی، روایت را بیان می‌کردند. به همین دلیل از گویش کرمانی استفاده نکردیم و فقط در یکی دو جا از اصطلاحاتی مانند «بی‌بی» بهره بردیم.

**[۴] با توجه به چالش‌های متنوع مستندهای پرتره، شما با چه چالش‌هایی در تولید مستند درباره شخصیت برجسته حاج قاسم سلیمانی مواجه شدید؟**

بزرگ‌ترین چالش در این پروژه، خستگی افراد از مصاحبه‌کردن بود. افرادی که قبلاً مصاحبه کرده بودند، پس از مدتی با گروه‌های جدیدی مواجه می‌شدند که می‌خواستند کتاب و... تولید کنند و این موضوع باعث می‌شد که افراد به دلیل فراوانی درخواست‌ها و مصاحبه‌ها، حوصله‌شان اجازه این حجم از مصاحبه را ندهد و می‌گفتند که می‌توانید از همان فایل‌های قبلی استفاده کنید اما به‌دلیل کیفیت پایین ضبط‌ها یا ویدئوهای گرفته‌شده با موبایل، این موضوع برای من کارایی نداشت و

این یک چالش بزرگ برای من بود. چالش دیگری نیز وجود داشت که مربوط به پیداکردن فیلم‌هایی از کودکی حاج قاسم بود. خوشبختانه، این امر محقق شد و در نهایت، موفق شدیم یک نوار کاست قدیمی پیدا کنیم که داستان کودکی را از زبان خود حاج قاسم در طول روایت داشته باشیم.

**[۵] چرا در مستند خود بر دوران حضور حاج قاسم سلیمانی در جنگ تأکید بیشتری داشته‌اید، با وجود این‌که دستاوردهای او پس از جنگ و در دوران کنونی برای مردم شناخته‌شده‌تر است؟**

من بر این باورم و بسیاری از کارشناسان حوزه شخصیت حاج قاسم نیز معتقدند که حاج قاسم در زمان آغاز عملیات فتح‌المبین، تنها سه ساعت فرماندهی در جنگ داشته‌است. با این حال، او به قدری مسئولیت‌پذیر بود که به‌دنبال درک نحوه جنگیدن و چگونگی مدیریت عملیات بود. در روز عملیات، زمانی که طرح مانور ارائه می‌شد، ارتش و سپاه در این عملیات ادغام شده بودند و تیپ ثار... با تیپ ۸۴ خرم‌آباد همکاری می‌کردند. این ادغام چالشی بزرگ به‌وجود آورده بود، زیرا فرماندهان تیپ ۸۴ خرم‌آباد که شامل چند سرهنگ دوره‌دیده بودند، تجربه جنگ کلاسیک داشتند و قرار بود طرح مانوری ارائه دهند. در حالی که حاج قاسم، که سابقه چندانی نداشت و تنها در عملیات طریق‌القدس و یک عملیات قبلی شرکت کرده و زخمی شده بود، نیز باید طرح مانوری را ارائه می‌داد.

در جلسه‌ای که پیش از برگزاری جلسه قرارگاه برگزار

نوا

## آهنگسازان معاصر ایرانی در تالار وحدت

کنسرت ارکستر آوام به رهبری سینا خیرآبادی ۱۶ دی با عنوان «انگاره‌های فیروزه‌ای» در تالار وحدت برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی بنیاد رودکی، ارکستر آوام در این اجرا، آثاری از آهنگسازان معاصر ایرانی را به روی صحنه خواهد برد. در این کنسرت قطعه «مرثیه برای سازه‌های زهی» اثر رضا والی و همچنین قطعه «mourning برای ارکستر زهی» از آرمین صناعی اجرا می‌شود؛ این قطعه با تکنوازی بابک کوهستانی همراه است. در بخش دیگر نیز آنسامبلی متشکل از گروه کر و سازه‌های بادی، قطعاتی را از نگین زمردی، سلمان اسحاقی، پارسا زندی و سعید کریمیان اجرا خواهد کرد. در بخش پایانی کنسرت نیز قطعه «پیانو کنسرتو» اثر فکرت امیراف، آهنگساز آذربایجانی با تکنوازی بیانو مهشاد عمارلو نواخته می‌شود. همچنین ارکستر آوام را علی جعفری یویان به‌عنوان کنسرت مایستر، سعید کریمیان در نقش مدیر هنری و وحید خالقی در مقام تهیه‌کننده همراهی می‌کنند.



## آثار شیون فومنی در بوته نقد



دو کتاب شعر فارسی شیون فومنی با عناوین «رودخانه در بهار» و «از تو برای تو» و یک کتاب شعر گیلکی با عنوان «خیاله‌گرده گیج» (پرسه خیال) به کوشش و پژوهش حامد فومنی از سوی نشر ثالث و با همکاری بنیاد

فرهنگی شیون فومنی، در نوبتی دیگر چاپ و منتشر شده است. به همین منظور، به اهتمام نشر ثالث و با همکاری بنیاد فرهنگی شیون فومنی، امروز از ساعت ۱۸، یک نشست تخصصی با عنوان نشست نقد و بررسی کتاب‌های شعر شیون فومنی در کافه کتاب نشر ثالث با حضور محمود معتقدی (شاعر و منتقد ادبی)، هرمز علی پور (شاعر و منتقد ادبی)، مهدی خطیبی (شاعر و منتقد ادبی)، حامد فومنی (مدیر بنیاد فرهنگی شیون فومنی) و اهالی شعر و ادبیات معاصر برگزار می‌شود. میراحمد سیدفخری‌نژاد، متخلص به شیون فومنی در سال ۱۳۲۵ ه. ش در شهرستان فومن دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۷۷ درگذشت. او در سرودن شعر فارسی و گیلکی خبره بود و آثارش نزد مردم منطقه گیلان محبوبیت خاصی دارد.

نشست

قاب

## «عمو حیدر» از تشک کشتی تاپیشخوان کتابفروشی‌ها

کتاب «عموحیدر» به‌قلم سعیده خان‌زاده میرکوهی، در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسید.

کتاب عمو حیدر، زندگی و خاطرات سیدعلی‌اکبر حیدری، پیشکسوت کشتی و هم‌دوره جهان پهلوان تختی را روایت می‌کند.

کتاب سرشار از خاطرات جذاب و شیرینی است که در طول این سال‌ها به‌واسطه هم‌دوره‌ای‌بودن با زنده‌یاد تختی و دیگر پهلوانان و حضور در میادین ورزشی مختلف بر پهلوان حیدری گذشته است.

به‌گفته راوی، جهان پهلوان تختی او را با نام عمو حیدر خطاب می‌کرده که وجه تسمیه کتاب هم از همین جاست.

